



دوشنبه ۹ تیر ۱۴۰۲ ● شماره ۸۷۷۶

irannewsppaper ● irannewsppaper

یادداشت



نادر رضایی

معاون هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

در ضرورت غیرامنیتی کردن فرهنگ

جنگ، سوای انگیزه و علل وقوع آن، در ذات خود پدیده‌ای شوم است. اما گاهی شرایط حاصل از تحمیل جنگ، حقایقی را برای ما آشکار می‌کند که پیش از آن و در شرایط عادی کمتر به نظرمان رسیده است. با اینکه در کنار دیگر موارد، آن‌گونه که باید آسیب‌شناسی نشده و برای یافتن راه‌حل و اقدام اصلاحی به آن توجه نکرده‌ایم.

امروز برخود می‌بالیم و ایستادگی افتخارآمیز گروه‌های مختلف در تمامی عرصه‌ها، به‌ویژه در عرصه فرهنگ و هنر در برابر تجاوز و جنگ تحمیل شده به ایران‌مان را پیاس می‌داریم.

این ایستادگی موجب شد همبستگی و اتحادی شگفت را بهتر و دقیق‌تر ببینیم. انسجام معناداری که حول محور وطن شکل گرفت و دلگرمی و امنیتی بی‌نظیر را در ناامن‌ترین لحظات، فارغ از سلیقه‌ها، نگرش‌ها، ایدئولوژی‌ها، قومیت‌ها و مکان سکونت‌مان برایمان رقم زد.

اگر دور چرخ چنان گشت که امروز مسئولیتی بر شانه‌های ما قرار گرفت، مسئولانه‌تر و جدی‌تر از گذشته وظیفه خود می‌دانیم پیشقدم باشیم و از فرصت پیش‌آمده برای بازسازی راهبرد ملی در حوزه‌های مختلف قدم برداریم.

به‌طور ویژه در حوزه فرهنگ و هنرمی‌بایست به سمت ترمیم اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی، حفظ و تقویت همبستگی تکثیرپذیردر مسیرآشتی و درنهایت، در مسیراتحاد ملی با زاویه دیدی وسیع‌تر و روادارانه‌تر گام برداریم. برماست که تنگ‌نظری‌ها و محدودیت‌ها را در چهارچوب مفهومی به نام وطن و حول محور ایران و همبستگی ملی کنار بگذاریم.

در این ۱۲ روز بیش از هر زمانی بر ما عیان شد که ترویج رویکرد و گفتمانی که ذیل آن همه چیزضدامنیتی، تهدید و نیازمند کنترل تلقی می‌شود؛ باعث می‌شود تا در بزنگاه‌ها، همان تهدید جدی که به‌واقع امنیتی است، در همهمه و فضای کاذب همه چیزامنیتی کننده، نادیده بماند؛ وقتی همه چیزامنیتی شود، نتیجه‌اش این می‌شود که در لحظات حساس، امنیت دچار خلل می‌شود یا مورد حمله قرار می‌گیرد و راه مقاومت را دشوار می‌کند.

در این میان پیش از هر چیزی ضروری است که به بازنگری و اصلاح رویه‌ها اهتمام ورزیم و از آنچه که باید و بایسته است امنیتی زدایی کنیم. امنیتی زدایی از حوزه فرهنگ و هنر، از راه تلاش برای سترسازری و تسهیل امور، کاهش نظارت‌ها و افزایش حمایت‌ها در کنار بازگشایی فضای مدنی و پذیرش و شنیدن صداهای متنوع و منتقد و درازکردن دست مهر و دوستی به سوی تمامی دلسوزان و هنرمندانی که دل در گرو وطن خویش دارند (ولو گلابه‌هایی در میان باشد) ممکن می‌شود.

در این صورت، به مرور و با مساعی طرفین، کدورت‌ها نیز روز به روز کم‌رنگ‌تر و در نهایت مرتفع شده و زمینه‌ای فراهم خواهد آمد تا همگی، ممدلاسه و فعلاانه یاری‌گر ایران باشند.

عبور از بحران و نگه‌داشت و تقویت همبستگی و انسجام ملی، به عنوان مهم‌ترین عامل بازدارنده در برابر تکرار تهدید ایران، مستلزم چنین رویکردی در همه ارکان حاکمیت و خاصه در حوزه فرهنگ و هنراست.

روی خط خبر

جایزه برای هدی زین العابدین و پارسا پیروزر در اسپانیا



پارسا پیروزر و هدی زین العابدین بازیگران سریال «در انتهای شب» به کارگردانی آیدآ پناهنده و تهیه‌کنندگی محمد یعینی برنده جایزه ویژه هیأت داوران جشنواره سینما جوو والنسیا در بخش بازیگری شدند. جشنواره بین‌المللی Cinema Jove از تاریخ ۲۹ تا ۲۸ ژوئن برابر با ۲۹ خرداد تا ۷ تیر ۱۴۰۴ در شهر والنسیای اسپانیا برگزار شد. عوامل سریال به دلیل جنگ اخیر، امکان حضور در مراسم اختتامیه جشنواره والنسیا را پیدا نکردند. / **ایرنا**

تقدیم «خیمه هنر» به شهدای اقتدار

دومین روز از ویژه‌برنامه عاشورایی «خیمه هنر» شامگاه شنبه (هفتم تیر) همزمان با دومین روز از ماه محرم با حضور علی‌اکبر علیزاده حسن‌آباد مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور ایثارگران، بابک رضایی مدیرکل دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، محمدعلی مراآنی مدیرعامل انجمن موسیقی ایران، جمعی از مسئولان، هنرمندان و شهروندان در پهنه فرهنگی هنری رودکی برگزار شد. در ابتدای برنامه، مجلس عزیزیه دو طفلان مسلم به سرپرستی جمال‌الدین قاسمی اجرا شد. تعزیه «دو طفلان مسلم» داستان شهادت محمد و ابراهیم، دو فرزند مسلم‌بن عقیل به دست حارث است. سپس مورخوانی بابا علی جوزی‌پور با اجرای مقام(رارا) لری و (صور) لکی همراه بود. بعد از آن محمد حشمتی دقایقی به آوازخوانی در رثای سید و سالار شهیدان حسین(ع) و حضرت رقیه(س) به زبان‌های عربی، فارسی و آذری پرداخت. حشمتی پیش از اجرا گفت: «پدرم مدرس قرآن و ذاکر افخزاری اهل بیت(ع) بود. به همین سبب، عشق به اباعبدالله با من عجین است. این اجرا را به پدرم و تمامی کودکانی که در موشک‌باران از دست رفتند، تقدیم می‌کنم.» در ادامه، اجرای چهار دوبیتی برای حضرت علی‌اصغر(ع) و حضرت مسلم(ع) و قصیده‌ای به نام «آتش» توسط عبدالرحیم سعیدی‌راد شاعر و رئیس امور فرهنگی گردشگری و ورزش سازمان برنامه و بودجه کشور اجرا شد. حسن ختام دومین روز برنامه عاشورایی «خیمه هنر»، اجرای گروه سازهای بادی متشکل از علی ضرابی (ترومپت)، محمدرضا پناهی‌نژاد (درام)، امیرحسین زبردست (ساکسوفون)، شایان هانف (ترومپت) و رامتین وقلاری (کلارینت) با اجرای نواهای ماندگارحسینی بود. / **روابط عمومی**

کابوس صهیونیست‌ها، «بوم‌بوم تل‌آویو»



لوکاس گیج، خواننده و سازنده قطعه ضداسرائیلی «بوم بوم تل‌آویو» در شبکه ایکس‌ای اعلام کرد: «صهیونیست‌ها این اهنگ را تقریباً از تمام اینترنت پاک کرده‌اند.» گیج که از شهروندان آمریکایی - ایتالیایی است، در صفحه شخصی خود در فضای مجازی تأکید کرده است که آمریکایی‌ها جنگ دولت این کشور با ایران را نمی‌خواهند. او همچنین تأکید کرده است: «ایران هرگز رئیس‌جمهوران ما را ترور نکرد. ایران هرگز فعالان ما را با خاک یکسان نکرد. ایران هرگز فناوری ما را به چین نفروخت. ایران هرگز ساختمان‌های ما را منفجر نکرد. ایران هرگز ما را فریب نداد تا وارد جنگ شویم، اما اسرائیل این کارها را کرد.» اهنگ «بوم بوم تل‌آویو» از زمان انتشار در شبکه‌های اجتماعی به‌سرعت ویرال شد و در کمتر از ۲۴ ساعت پس از انتشار، ۵۷۷ میلیون بازدید به‌همراه داشت.

فروش و استفاده از مشروبات الکلی در آن سال‌ها می‌شد حسابی پول درآورد. اسموک و استک به عنوان کهنه‌سربازان جنگ، هوش تجارت و ظرفیت خشونت سازمان یافته دارند. شیکاگو می‌تواند مکانی باشد که آنها را صاحب استعدادهایشان کرده است اما با دل‌تا فرق بسیار زیادی دارد. دل‌تا بر خلاف شیکاگو می‌تواند جایی برای فرار باشد و آنها می‌توانند در آنجا قسر در برونند... به هر حال واقعیت این است که دوقلوها غیرقابل اصلاح هستند اما می‌خواهند سامی تجربه‌های بهتری داشته باشد. گریس هم برای ایذا آرزوهای بهتری دارد؛ و همین‌طور پدر سامی که صلاح او را می‌خواهد. در فیلم این انگیزه انسانی وجود دارد که نسل جوان، تجربه و زندگی بهتری داشته باشد.

شماره یادکستی به این موضوع اشاره کردید که کلید خلق یک آدم‌بد فوق‌العاده این است که قهرمان و آنتاگونیست، انگیزه یکسانی داشته باشند اما شیوه‌های متفاوتی. اینجا با شخصیت‌ریمیک که اهریمنی است هم می‌شود همدردی کرد به‌خصوص به دلیل عشق عمیقی که به موسیقی دارد درست مثل شخصیت‌های اصلی. می‌توانید درباره این همدردی و علاوه بر آن، اهریمنی که صاحب فرهنگ شده بیش‌تر توضیح بدهید؟

اولین دیالوگی که درباره رمیک از زبان شخصیت چین (رهبر مردمان چاکتا که او را تعقیب می‌کنند) می‌شنویم این است: «او همانی نیست که به نظر می‌رسد.» من سعی کردم رمیک یک سفیدپوست سی‌وچند ساله باشد با لهجه مردمان کارولینای شمالی و در عین حال، خون‌آشامی ایرلندی با عمری چند قرنی است. رمیک مدت‌هاست که زنده مانده است و این ویژگی‌اش را دوست دارم که پوچی و چرندی نژادپرستی آمریکایی را می‌بیند. او ورای کوکلاکس کلان‌ها (جنبشی نژادپرست) با اتفاقی که در کافه جوک جوینت روی می‌دهد همراه می‌شود و می‌خواهد بخشی از آن باشد و البته که می‌خواهد همه آنها در نهایت بخشی از او باشند؛ طعنه‌آمیز است که همه فکر می‌کنند او شیطان است اما او موجود دیگری است که پیشنهادش می‌تواند برای هرکسی جذاب باشد. خون‌آشام بدون به معنی قربانی کردن و از دست دادن چیزهایی است اما قدرتی فراطبیعی به شما می‌دهد؛ فقط شرط آن این است که روح‌تان را واگذار کنید تا در این جهان مادی به دام بفتند و هرگز راهی به زندگی پس از مرگ پیدا نکنند. شما و می‌سی‌سی‌بی به‌واسطه بزرگراه شماره ۶۱ رابطه نزدیکی داشتند. مردم به شهر شیکاگو مهاجرت می‌کردند و به دلیل ممنوعیت

منبع: راجر ابریت دات‌کام

می‌توان آن را واضح‌تر کرد.

موردی را در داستان به یاد دارید که آن را به خاطر تماشاگران جهانی تغییر داده باشیم؟

الان موردی به ذهنم نمی‌رسد.

شما گفته‌اید که عمو جیمز عاشق موسیقی بلوز بود. چطور شد که داستان این علاقه و در واقع خاستگاه این موسیقی را با زیرآثر خون‌آشامی ترکیب کردید؟

همه اینها برای من یکی هستند. صنعت ما حال و روز روشنی دارد اما در یک دنیای بی‌نقص، اطلاعات درز پیدا نمی‌کند و پیش از ساخته شدن فیلم‌ها، اخبار مختلفی درباره آنها پخش نمی‌شود. همه این عناصر متفاوت شاید روی کاغذ نامعقول جلوه کنند اما دلایل فقط این است که شما از فرهنگی بی‌اطلاع هستید که موسیقی بلوز از دل آن متولد شده است. به هر حال وقتی این عناصر را در بستر خودشان می‌بینید دیگر نامعقول به نظر نمی‌رسند. فکر می‌کردم اگر هنگام نگارش فیلمنامه کارم را درست انجام بدهم تماشاگر احساس نمی‌کند که این عناصر جدا از هم هستند؛ و همه چیز با هم یکی می‌شود و پیوند می‌خورد.

شما روایت‌هایی را نقل کرده‌اید درباره اینکه موسیقیدان‌های بلوزی مثل تامی و رابرت جانسن گفته‌اند روح‌شان را به شیطان فروخته‌اند تا بتوانند این طور گیتار بزنند و اجرا برونند.

دقیقاً. این استعاره برای فداکاری هنری هم صادق است؛ برای نمایش اینکه یک نظام ستمگر چطور می‌تواند آدم‌ها را عاری از ویژگی‌های انسانی کند و اینکه آنها چطور می‌توانند به‌واسطه هنر با این تجربه مقابله و مبارزه کنند و این مبارزه است که انسانیت را دوباره به آنها بازمی‌گرداند. این فیلم به همان اندازه که یک فیلم ترسناک تاریخی است یک فیلم میهمانی‌گونه هم هست. شما هرگز گسترده‌ای که در فیلم نشان نمی‌دهید اما مثل یک شیخ شخصیت‌های اسموک و استک را تسخیر کرده است. آنها شیکاگو را ترک می‌کنند تا با اهریمنی که می‌شناسند - یا دست‌کم فکر می‌کنند که می‌شناسند - در می‌سی‌سی‌بی بیکار کنند.

می‌توانید درباره تصویری صحبت کنید که به این شکل از شیکاگو ترسیم کرده‌اید؟ می‌خواستم فیلم یک ریشه قوی در خاک داشته باشد و بجز صحنه پایانی، فقط در دل‌تا ریشه داشته باشد که موسیقی بلوز از آنجا شروع شد. می‌خواستم بازگشت دوقلوها به زانگاه‌شان جوری احساس شود که گویی آنها فضاژور بوده‌اند... شیکاگو و می‌سی‌سی‌بی به‌واسطه بزرگراه شماره ۶۱ رابطه نزدیکی داشتند. مردم به شهر شیکاگو مهاجرت می‌کردند و به دلیل ممنوعیت



گفت‌وگو با راین کوگلر نویسنده و کارگردان فیلم «گناه کاران»

هنر ابزاری است برای رسیدن به انسانیت

گفت و گو



ترجمه: رضا حسینی

یکی از لذت‌های خاص تماشای آثار سینمایی راین کوگلر مشاهده این امر است که او چطور داستان‌ها، مضامین و ژانرهای در ظاهر نامرتبط را در قالب اثری ارجمیتال با هم ترکیب می‌کند.

فیلم گناه‌کاران «sinners» (۲۰۲۵) اثر جدید کوگلر پس از فیلم‌های تحسین‌شده ایستگاه فریوت‌ویل (۲۰۱۳)،

می‌کنم. مادر زینزی کوگلر (همسر راین و یکی از تهیه‌کنندگان فیلم) فیلیپینی است و در بیست‌وچند سالگی به ایالات متحده نقل مکان کرده است. والدین یسواوهانیان (دیگر تهیه‌کننده فیلم) در ایران متولد شده‌اند و ارمنی هستند. خود سو هم متولد آلمان است... می‌خواهم بگویم که جمع ما مردمانی با ملیت‌های متفاوت تشکیل شده است و به‌نظم غریزه خوبی برای جذب مخاطبان گسترده داریم. این پنجمین فیلم من است که در این سن‌وسال ساخته‌ام و پخش جهانی شده است؛ یعنی تماشاگران سراسر جهان به دیدن فیلم‌های من می‌آیند و برای همین باید آنها را مد نظر قرار بدهم. از سوی دیگر،

فیلم شما باید حقیقی و موثق باشد؛ مثلاً بونگ چون‌هو که می‌توانم با شما بحث کنم که چرا فیلم انگل (۲۰۱۹) گدای‌ترین فیلم اوست؛ اما با تماشاگران سراسر جهان ارتباط برقرار کرد. در این روزگار همه ما در یک فضای گسترده عمومی به نام اینترنت حضور داریم و کاملاً با هم در ارتباط هستیم؛ برای همین فکر می‌کنم خیلی مهم است که اثر شما تا جای ممکن خاص باشد. در ضمن باید مطمئن بشوید که گروه فیلمسازی متنوعی (به لحاظ نژاد و قومیت) دارید؛ مثلاً زبان دوم سو، انگلیسی است و به همین دلیل گاهی می‌گفت من متوجه منظور این صحنه یا دیالوگ نمی‌شوم. ما هم از آدم‌های پرس‌پسیدمی که چگونه

جمع ما از مردمانی با ملیت‌های متفاوت تشکیل شده است و به‌نظم غریزه خوبی برای جذب مخاطبان گسترده داریم



نگاهی به قسمت‌های ۱۳ تا ۱۹ سریال «تاسیان»

عشق و مفهومی به نام خانواده

«تاسیان»، مجموعه اتفاق‌هایی که رخ داده و به عنوان نقطه عطف به تصویر کشیده شده، سمت و سوی عاشقانه‌تری داشته و به موازات آن نیز وجوه سیاسی آن با تکیه بر شخصیت‌هایی همچون: سعید و سرهنگ، دوست و شریک جمشید نجات پیش می‌رود. رسیدن زمان «تاسیان» به نوروز ۵۷ نیز فضای قصه را تلطیف کرده و از فضای سنگین و غم‌زده قسمت‌های پیشین تا حدی عبور می‌کند. تیره و تار شدن رابطه دوستانه خسرو و سعید نیز نقش مهمی در پیشبرد داستان دارد و در نهایت به یک نقطه عطف مهم می‌رسد، جایی که اتومبیلی

ناشناس، جمشید را زیر گرفته و فرار می‌کند. به این ترتیب، نمودار تنش «تاسیان» سیر صعودی به خود گرفته و تماشاگران را در بیم و امید نسبت به فرجام کار نگه می‌دارد. از طرف دیگر، خسرو را در مظان اتهام قرار داده و شیرین را نسبت به او به واکنش وادار می‌کند. در عین حال، پای امید برادر انقلابی او را به میان کشیده و خسرو را در موقعیت بغرنج‌تری قرار می‌دهد. فضای سنجین و غم‌زده قسمت‌های کرده و از آنها مراقبت کند. قرینه عشقی که به شیرین داشته و ما به ازای آن را در رابطه او با خانواده خود می‌بینیم. داستانکی هم با محوریت خسرو و

ستاره بازیگران تاسیان در قسمت‌های یاد شده، همچنان خود بابک حمیدیان در نقش جمشید نجات است که فوق‌العاده ظاهر شده و تماشاگر را به همدلی با خویش و می‌دارد

دخترخاله‌اش شکل گرفته و بار تنش حاکم بر کار را افزایش می‌دهد. عشق یک طرفه‌ای که با تمایه حسادت ترکیب شده و نقطه عطفی را رقم می‌زند، رفتن شیرین به خانه حوری و سرانجام پی‌بردن‌اش به ازدواجی که سال‌ها از مخفی نگه داشته، نقطه عطف کلیدی قسمت‌های ذکر شده را رقم می‌زند که خط بزرگی روی رابطه پدر و دختری شیرین و جمشید می‌اندازد. رابطه پرمهر و عطوفتی که مثل یک ظرف کریستال بزرگ زمین خورده، شکسته و پودر می‌شود. شخصیت حوری نیز که تا به اینجا تنها شخصیتی مکمل بوده و صرفاً سایه کوچکی بر قصه می‌انداخته، پررنگ‌تر شده و کاملاً کشف‌شده در قصه حضور دارد؛ در حالی که سال‌ها رابطه‌ای عاشقانه و در عین حال مخفی از چشم بقیه را با جمشید سبزی کرده و تم عشق «تاسیان» را پررنگ‌تر می‌کند. علاقه قدیمی حوری به همسر از دست داده و دختر خردسال‌اش که در یک تصادف رانندگی کشته شده‌اند، داستانک تازه‌ای را خلق کرده که در رأس دیگران سعید قرار دارد. خاکستری‌ترین شخصیت سریال که ذهن حوری را متوجه پسرعمه سیاسی‌اش کرده و حقیقی هولناک را پیش چشم‌اش می‌آورد، در عین حال، پاکروان روی خباثت دور، سعید و نقاط تیره وجودش به عنوان یک مأمور ساواک مانور بیشتری می‌دهد. از آن دسته داستان‌های فرعی که کمک زیادی به پیشبرد قصه اصلی کرده و به خوبی به تنه آن می‌چسبد. همدلی با خویش و می‌دارد. همین طور محمدرضا شریفی‌نیا که در ایفای نقش مریدی سنتی که دغدغه‌های پدران‌ه زیروپوستی‌تری نسبت به جمشید دارد، به اندازه بازی کرده است.

نقد

محمد جلیوند

منتقد سینما

عاشقانه‌هایی که در بستر ملت‌هپ سیاست روایت می‌شوند، تم‌های بسیاری برای روایت قصه خود در اختیار دارند که به فیلمنامه‌نویس این فرصت را می‌دهد تا در هر اپیزود روی یکی از آنها مانور بدهد. درست همان کاری که تینا پاکروان در تاسیان انجام داده و بخش مهمی از موفقیت خود را مدیون همین موضوع است. از قسمت سیزدهم تا نوزدهم